

مرجع سوالات موضوعی آیین دادرسی کیفری – جلد اول

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد و دکتری حقوق جزا
وکالت – قضاوت – مشاوران حقوقی

مؤلفین: زهرا داستان

فاطمه حقیقی

ویراستار علمی: سولماز معصومی



مرجع سوالات موضوعی آیین دادرسی کیفری - جلد اول زهرا داستان - فاطمه حقیقی

نظارت : مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر
مسئول فنی : لیلا بجاج زاده
طرح جلد : مریم مظفری

آدرس : شیراز - مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل
تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

دانشجوی گرامی

حضور در کلاسهای موسسه آموزش عالی فاضل بدلیل حل مسائل متنوع ، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد ، قرار گرفتن در جو کنکور ، ایجاد انگیزه رقابت ، رفع اشکالات دانشجو و آزمونهای کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می شوید انتخابی است که نمی توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد .

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه آموزش عالی فاضل به شما این امکان را می دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

سخن مولف

تدوین کتب مبنایی، کمک درسی و تستی، با هدف دقیق خوانی و نکته سنجی دانشجویان، زمینه مساعدی را فراهم می آورد تا دانشجویان نکات مهم و اساسی هر ماده را به بهترین شکل فراگیرند.

کتاب پیش رو در دو جلد مشتمل بر تستهای تألیفی از قانون آئین دادرسی کیفری جدید با آخرین اصلاحات و تستهای سنوات گذشته که منطبق بر تغییرات قانون جدید، طبقه بندی شده است می باشد.

این تستها که با تدقیق و ریز بینی سعی شده از تمام زوایای مواد، نکات مهم را بیرون کشیده و بدون تعبیر و تفسیر شخصی نگارنده، صرف مواد، منبع طرح سوال قرار داده شده، بی تردید در اثر ممارست دائم در مطالعه مواد قانونی و در کنار آن حل تست های پیش رو راه حل ارزنده ای در اختیار دانشجویان حقوق قرار می دهد تا در آزمون های مرتبط حقوقی درصد بالایی از نمره آزمون ها را در این درس به خود اختصاص دهند. این کتاب که با تمام علاقه ام به مباحث حقوق جزا و دادرسی کیفری گردآوری، تهیه و تدوین آن با همکاری دوستان عزیزم سرکار خانم فاطمه حقیقی و سرکار خانم سولماز معصومی به اتمام رسید. امیدوارم به عنوان اثری ناچیز بتواند مورد استفاده علاقمندان به خصوص دانشجویان محترم حقوق و متقاضیان آزمون های وکالت، قضاوت، کارشناسی ارشد و دکتری قرار گیرد.

"نگران کارهایی که در گذشته انجام ندادی نباش ... تمام شده نگران کارهایی باش که باید انجام دهی"

زهرا داستان

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که معجزه حضورشان مرا در تحمل مرور عقربه‌ها، صبورتر کرد

و

طعم گس فصلها را برایم شیرین کرد.

فهرست مطالب

بخش اول - کلیات.....	۱
فصل اول-تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن.....	۲
فصل دوم-دعوی عمومی و دعوی خصوصی.....	۶
بخش دوم-کشف جرم و تحقیقات مقدماتی.....	۳۴
فصل اول-دادسرا و حدود صلاحیت آن.....	۳۴
فصل دوم-ضابطان دادگستری و تکالیف آنان.....	۳۷
فصل سوم-وظایف و اختیارات دادستان.....	۵۴
فصل چهارم-وظایف و اختیارات بازپرس.....	۸۰
فصل پنجم-معاینه محل،تحقیق محلی،بازرسی و کارشناسی.....	۱۰۴
فصل ششم-احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان.....	۱۱۸
مبحث اول-احضار، جلب و تحقیق از متهم.....	۱۱۸
مبحث دوم-احضار و تحقیق از شهود و مطلعان.....	۱۳۵
فصل هفتم-قرارهای تامین و نظارت قضایی.....	۱۳۸
فصل هشتم-اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات.....	۱۶۵
فصل نهم-تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان.....	۱۸۱
فصل دهم-وظایف و اختیارات دادستان کل کشور.....	۱۸۴
بخش سوم-دادگاه های کیفری،رسیدگی و صدور رای.....	۱۸۷
فصل اول-تشکیلات و صلاحیت دادگاه های کیفری.....	۱۸۷
فصل دوم-رسیدگی به ادله اثبات.....	۲۱۷
فصل سوم-رسیدگی در دادگاه های کیفری.....	۲۲۲
مبحث اول-کیفیت شروع به رسیدگی.....	۲۲۲
مبحث دوم-ترتیب رسیدگی.....	۲۳۳
مبحث سوم-صدور رای.....	۲۳۵
فصل چهارم-رسیدگی در دادگاه کیفری یک.....	۲۳۸
مبحث اول-مقدمات رسیدگی.....	۲۳۸
مبحث دوم-ترتیب رسیدگی.....	۲۴۳
مبحث سوم-صدور رای.....	۲۴۶
فصل پنجم-رای غیابی و واخواهی.....	۲۴۸
فصل ششم-رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان.....	۲۵۱

۲۵۱	مبحث اول-تشکیلات
۲۵۲	مبحث دوم-ترتیب رسیدگی
۲۵۵	فصل هفتم-احاله
۲۵۷	فصل هشتم-رد دادرس
۲۶۱	بخش چهارم-اعتراض به آرا
۲۶۱	فصل اول-کلیات
۲۷۲	فصل دوم-کیفیت رسیدگی دادگاه تجدید نظر
۲۸۳	فصل سوم-کیفیت رسیدگی دیوان علی کشور
۲۹۱	فصل چهارم-اعاده دادرسی
۳۰۱	بخش پنجم-اجرای احکام کیفری و اقدامات تامینی و تربیتی
۳۰۱	فصل اول-کلیات
۳۰۸	فصل دوم-اجرای مجازات حبس
۳۱۳	فصل سوم-اجرای محکومیت های مالی
۳۱۵	فصل چهارم-اجرای سایر احکام کیفری
		فصل پنجم-اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی
۳۱۵	
۳۱۷	بخش ششم-هزینه دادرسی
۳۲۰	بخش هفتم-سایر مقررات
۳۲۱	بخش هشتم-آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح
۳۲۱	فصل اول-کلیات
۳۲۲	فصل دوم-تشکیلات دادسرا و دادگاه های نظامی
۳۲۳	فصل سوم-صلاحیت
۳۲۴	فصل چهارم-کشف جرم و تحقیقات مقدماتی آن
۳۲۷	فصل پنجم-وکالت در دادسرا و دادگاه های نظامی
۳۲۸	فصل ششم-ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رای
۳۲۹	فصل هفتم-تجدید نظر و اعاده دادرسی
۳۲۹	فصل هشتم-اجرای احکام
۳۳۰	فصل نهم-زندان ها و بازداشتگاه های نظامی
۳۳۳	بخش نهم-دادرسی الکترونیکی
۳۳۴	بخش دهم-آیین دادرسی جرایم رایانه ای
۳۳۵	آرا وحدت رویه کیفری

بخش اول - کلیات

۱- در نظام دادرسی ایران ویژگی های تحقیقات مقدماتی عبارتند از :

۱) کتبی ، غیرعلنی ، سری و غیر ترافیعی

۲) شفاهی ، غیرعلنی و ترافیعی

۳) سری ، کتبی ، ترافیعی

۴) علنی ، سری و کتبی

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . نظام دادرسی ایران در حال حاضر تابع نظام دادرسی مختلط است که در این نظام مرحله تحقیقات مقدماتی تابع خصوصیات نظام تفتیشی است (غیرعلنی ، کتبی ، سری ، غیرترافیعی) و مرحله دادرسی تابع خصوصیات نظام دادرسی اتهامی (علنی ، شفاهی ، ترافیعی) است .

۲- در نظام مختلط :

۱) تحقیقات مقدماتی بر عهده دادسرا و رسیدگی بر عهده دادگاه است .

۲) تحقیقات مقدماتی کتبی ، غیرعلنی ، سری و غیر ترافیعی و رسیدگی دادگاه علنی و ترافیعی است .

۳) تحقیقات مقدماتی به شیوه تفتیشی و رسیدگی دادگاه به صورت اتهامی است .

۴) هر سه گزینه صحیح است .

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است .

۳- در نظام مختلط ...

۱) رسیدگی در مرحله دادسرا و دادگاه از یکدیگر جدا می شود .

۲) تحقیقات مقدماتی به صورت کتبی ، غیر علنی و غیر ترافیعی است .

۳) رسیدگی مرحله دادگاه تابع اصول حاکم بر نظام اتهامی است .

۴) هر سه مورد

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است .

۴- نظام مختلط همان نظام دادسرا - دادگاه است که :

۱) تحقیقات مقدماتی آن تفتیشی و رسیدگی دادگاه در آن اتهامی است .

۲) تحقیقات مقدماتی آن کتبی ، غیر علنی و غیر ترافیعی است .

۳) رسیدگی دادگاه در آن علنی و ترافیعی است و متهم می تواند وکیل داشته باشد .

۴) هر سه مورد .

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است .

۵- کدام گزینه در خصوص نظام دادرسی اتهامی نادرست است ؟

۱) در این روش مقام و مرجعی برای تعقیب جرائم وجود ندارد و ناگزیر تعقیب همه جرائم بر عهده متضرر از جرم است .

۲) شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می کند ، یک قاضی حرفه ای نیست و اطلاعات قضائی خاصی ندارد .

۳) محاکمه به صورت شفاهی است ، یعنی پرونده کتبی وجود ندارد .

۴) محاکمه به صورت غیرعلنی است و افراد عادی نمی توانند در جلسه محاکمه حاضر شده و آن را از نزدیک تماشا کنند .

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است .

۶- دادرسی اتهامی به کدام صورت است ؟

۱) شفاهی و علنی

۲) سری و ترافیعی

۳) کتبی و سری

۴) کتبی و علنی

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است .

بخش دوم - کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول - دادرسی و حدود صلاحیت آن

۱۳۸- دادرسی عهده دار :

- (۱) کشف جرم و تعقیب متهم به جرم است .
- (۲) اجرای حکم و رسیدگی به امور حسبه است .
- (۳) اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی است
- (۴) تمامی گزینه های فوق صحیح است .

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۲۲ ق.آ.د.ک: "به منظور کشف جرم ، تعقیب متهم ، انجام تحقیقات ، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد ، اجرای احکام کیفری ، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی ، در حوزه قضائی هر شهرستان و در معیت دادگاه های آن حوزه ، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه های نظامی استان ، دادرسی نظامی تشکیل می شود."

۱۳۹- دادرسی به ریاست تشکیل می شود .

- (۱) دادستان (۲) رئیس حوزه قضائی (۳) وزیر داگستری (۴) دادستان کل کشور
- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.** به موجب ماده ۲۳ ق.آ.د.ک: " دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم معاون ، دادیار ، بازپرس و کارمند اداری دارد."

۱۴۰- در حوزه قضائی بخش ، وظایف دادستان بر عهده است .

- (۱) رئیس دادگاه بخش یا دادرسی علی البدل
 - (۲) رئیس دادگاه بخش و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی البدل
 - (۳) رئیس حوزه قضائی و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی البدل
 - (۴) رئیس حوزه قضائی یا رئیس دادگاه بخش
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** به موجب ماده ۲۴ ق.آ.د.ک: " در حوزه قضائی بخش ، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضائی و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی البدل دادگاه است ." در حوزه قضائی بخش دادرسی وجود ندارد به همین دلیل وظایف دادستان در این حوزه با اشخاص مذکور در این ماده است .

۱۴۱- در حوزه قضائی بخش وظایف دادستان بر عهده است و همچنین در جرائم موضوع ماده ۳۰۲

ق.آ.د.ک به جانشینی از بازپرس تحقیقات لازم را انجام می دهد .

- (۱) رئیس حوزه قضائی و در غیاب وی دادرسی علی البدل - رئیس دادگاه بخش و در صورت فقدان آن دادرسی علی البدل
- (۲) رئیس دادگاه بخش و در صورت فقدان آن دادرسی علی البدل- رئیس حوزه قضائی و در غیاب وی دادرسی علی البدل
- (۳) رئیس حوزه قضائی یا رئیس دادگاه - رئیس دادگاه بخش یا دادرسی علی البدل
- (۴) رئیس دادگاه و در غیاب وی دادرسی علی البدل - رئیس حوزه قضائی یا دادرسی علی البدل

..... تست آئین دادرسی کیفری

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۲۴ ق.آ.د.ک " در حوزه قضائی بخش ، وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضائی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی البدل دادگاه است . " و به موجب ماده ۳۳۷ : " جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون ، رییس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط ، انجام وظیفه می نماید . در صورت تعدد شعب با ارجاع رییس حوزه قضائی ، روسای شعب عهده دار این وظیفه هستند . هرگاه دادگاه بخش فاقد رییس باشد ، دادرس علی البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می کند و در هر حال صدور کیفر خواست بر عهده دادستان است . "

۱۴۲- به تشخیص دادرسهای تخصصی زیر نظر تشکیل می شود .

(۱) رییس قوه قضائیه- دادرسای شهرستان (۲) رییس حوزه قضائی - رییس قوه قضائیه

(۳) دادستان شهرستان - دادرسای شهرستان (۴) رییس حوزه قضائی - دادستان مرکز استان

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۲۵ ق.آ.د.ک: " به تشخیص رییس قوه قضائیه ، دادرسهای تخصصی از قبیل دادرسای جرائم کارکنان دولت ، جرائم امنیتی ، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی ، رایانه ای ، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسای شهرستان تشکیل می شود . "

۱۴۳- در حال حاضر انواع دادرس عبارت است از :

(۱) عمومی - انقلاب- نظامی - ویژه روحانیت

(۲) عمومی و انقلاب - نظامی - ویژه روحانیت

(۳) عمومی - انقلاب - نظامی - ویژه روحانیت - انتظامی قضات

(۴) دیوان عالی کشور - عمومی و انقلاب - نظامی - ویژه روحانیت - ویژه نوجوانان

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۱۴۴- در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی :

(۱) اصل بر صلاحیت دادرسای محل وقوع جرم است مگر قانون طور دیگری مقرر کرده باشد

(۲) اصل بر صلاحیت دادرسای است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند مگر قانون طور دیگری مقرر کرده باشد .

(۳) اصل بر صلاحیت دادرسای محل وقوع جرم است .

(۴) اصل بر صلاحیت دادرسای است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند .

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. در این خصوص م ۲۶ ق.آ.د.ک اصل را بر صلاحیت دادرسای قرار داده است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می نماید مگر در مواردی که طبق ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک طور دیگری مقرر شده باشد .

۱۴۵- هرگاه در شهری قتل عمدی اتفاق بیفتد و در آن شهر دادگاه کیفری یک نباشد و پرونده به نزدیکترین شهری که دادگاه کیفری یک دارد فرستاده شود انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص این جرم با چه مرجعی است ؟

(۱) دادرسای محل وقوع جرم (۲) دادرسای شهری که به جرم رسیدگی می کند

(۳) دادگاه کیفری یک (۴) هر یک از گزینه ۱ یا ۲ حسب مورد

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۲۶ و ۴۰۱ ق.آ.د.ک.

۱۴۶- انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع

جرم است، بر عهده کدام مرجع است؟

(۱) بر عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند، مگر آنکه قانون به نحو

دیگری مقرر نماید.

(۲) مطلقاً بر عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند.

(۳) بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است، مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

(۴) مطلقاً بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۲۶ ق.آ.د.ک: "انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها

در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه

می کند مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید." برای انجام اقدامات تعقیبی و تحقیقی اصل بر صلاحیت دادرسی

محل وقوع جرم نیست و به تبع آن انجام وظایف دادسرا در صلاحیت دادرسی است که در معیت دادگاه صالح قرار دارد.

البته در برخی موارد از همین قاعده هم مقتن عدول کرده یعنی دادگاه صالح دادگاه خارج از محل وقوع جرم است اما

دادسرای محل وقوع جرم موظف به انجام امور تحقیقی و تعقیبی است. (برای نمونه نگاه کنید به ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک)

۱۴۷- رییس دانشگاه دزفول در لار مرتکب جرم تخریب شده است. دادرسی که مکلف به تعقیب جرم وی

است عبارت است از:

(۱) دادرسی عمومی و انقلاب شهر دزفول (۲) دادرسی عمومی و انقلاب شیراز

(۳) دادرسی عمومی و انقلاب تهران (۴) دادرسی عمومی و انقلاب لار

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. ماده ۲۶ ق.آ.د.ک انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت

دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند از

آنجا که به جرم رییس دانشگاه دزفول که مرتکب جرم در لار شده بر اساس ماده ۳۰۸ در مرکز استان محل وقوع جرم یعنی

شیراز رسیدگی می شود دادرسی عمومی و انقلاب شیراز نیز صالح به تعقیب است.

۱۴۸- انجام وظایف دادسرا در خصوص اتهام قتل غیر عمدی شهردار شیراز در صورت وقوع جرم وی در فسا به

عهده کدام مرجع است؟

(۱) دادرسی فسا با توجه به اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم صالح است.

(۲) دادرسی محل کشف جرم یا محل دستگیری وی صلاحیت رسیدگی دارد.

(۳) دادرسی شیراز صالح است.

(۴) هر کدام از دادرسیهای شیراز یا فسا که ابتدائاً شروع به تعقیب کرده صالح به رسیدگی می باشند.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به موجب ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که

رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه

صالح انجام وظیفه می کند. در این فرض دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهامات شهرداران مرکز استان ها دادگاه مرکز

استان است نه دادگاه محل وقوع جرم. بنابراین دادرسی صالح نیز دادرسی شیراز است (جرائم انتسابی شهرداری، مرکز

..... تست آئین دادرسی کیفری

شهرستان در صلاحیت دادگاه حوزه محل وقوع جرم است نه مرکز استان. در حالیکه به استناد ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک رسیدگی به جرائم شهرداران مرکز شهرستان ها در صلاحیت دادگاه های مرکز استان است. (

۱۴۹- وظایف دادستان شهرستان مرکز استان در کدام یک به طور کامل و صحیح آمده است؟

- (۱) نظارت دادستان در استان و حسن اجرای آرای کیفری آن ها
- (۲) نظارت بر حسن اجرای آرای کیفری و نظارت بر دادستان ها و مقامات قضائی دادرسی شهرستان ها
- (۳) نظارت بر حسن اجرای آرای کیفری و نظارت بر دادستان ها و مقامات قضائی دادستان شهرستان ها و تعلیمات لازم را ارائه می دهد.
- (۴) اقدامات دادستان ها و مقامات قضائی دادرسی شهرستان های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری نظارت می کند و تعلیمات لازم را می دهد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. ماده ۲۷ ق.آ.د.ک

فصل دوم- ضابطان دادگستری و تکالیف آنان

۱۵۰- کدام یک از گزینه های زیر جزء حیطه اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری محسوب نمی شود؟

- (۱) ابلاغ اوراق (۲) کشف جرم (۳) تحقیقات مقدماتی (۴) اجرای احکام محاکم
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.** به موجب ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: " ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله و وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند."

۱۵۱- کدام یک از موارد زیر جزء وظایف ضابطین نیست؟

- (۱) دستگیری متهم (۲) کشف جرم (۳) اجرای دستورات قضائی (۴) اخذ تamin
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.** به موجب ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: " ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله و وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند."

۱۵۲- کدام یک از گزینه های زیر جزء ضابطین عام محسوب نمی شود؟

- (۱) افسران آموزش دیده نیروی انتظامی (۲) درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی
 - (۳) فرماندهان آموزش دیده نیروی انتظامی (۴) سربازان وظیفه آموزش دیده نیروی انتظامی
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.** به موجب بند الف ماده ۲۹ ق.آ.د.ک: " ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است." و به موجب تبصره این ماده: " کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسؤولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسؤولیت نافی مسؤولیت کارکنان وظیفه نیست." در قانون جدید آئین دادرسی کیفری سرباز وظیفه ضابط نیست و از پرسنل نیروی انتظامی هم تنها فرماندهان، افسران و درجه داران ضابط عام

محسوب می شوند ، مشروط بر اینکه دوره آموزشی مذکور در ماده ۳۰ این قانون را گذرانده باشند و کارت ویژه ضابط دادگستری دریافت نمایند .

۱۵۳- کدام یک از موارد ذیل ضابط عام محسوب نمی شوند ؟

- (۱) فرماندهان
(۲) کارکنان وظیفه
(۳) افسران
(۴) درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است . ماده ۲۹ ق.آ.د.ک

۱۵۴- کدام یک از گزینه های زیر در خصوص مأمورین نیروی انتظامی به عنوان ضابطان عام دادگستری با توجه به ق.آ.د.ک جدید صحیح است ؟

- (۱) کلیه مأموران نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب می شوند .
(۲) کلیه مأمورین آموزش دیده نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب می شوند.
(۳) فقط فرماندهان ، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش مربوط را دیده باشند ضابط دادگستری محسوب می شود .
(۴) فقط فرماندهان و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش مربوط را دیده باشند ضابط عام دادگستری محسوب می شود .

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است . مستند به بند الف ماده ۲۹ ق.آ.د.ک که مقرر می دارد : "ضابطان عام شامل فرماندهان ، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند ."

۱۵۵- کدام یک از افراد زیر ضابط خاص دادگستری محسوب نمی شوند ؟

- (۱) رؤسا و معاونان زندان در امور مربوط به زندانیان
(۲) مأموران وزارت اطلاعات در تهدیدات نرم امنیتی
(۳) فرمانده هواپیما نسبت به جرائم ارتكابی در هواپیما
(۴) مأموران بسیج در جرائم غیر مشهود و در زمان عدم حضور ضابطان دیگر
پاسخ: گزینه ۴ صحیح است . بند ب ماده ۲۹ ق.آ.د.ک طبق ماده یکفانون حمایت قضایی از بسیج، نیروی مقاومت و بسیج در صورتی ضابط محسوب می شود که جرم، مشهود باشد و ضابط عام حضور نداشته یا اقدامی نکند و آموزش لازم را دیده باشد.

۱۵۶- کارکنان وظیفه

- (۱) ضابط محسوب می شوند .
(۲) ضابط محسوب نمی شوند .
(۳) اگر درجه دار یا افسر باشند ضابط محسوب می شوند .
(۴) تحت نظارت ضابطان مربوطه در حدود وظایف محوله ضابط محسوب می شوند .

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به موجب تبصره ماده ۲۹ ق.آ.د.ک: "کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسؤولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است . این مسؤولیت نافی مسؤولیت کارکنان وظیفه نیست ."

بخش سوم - دادگاه های کیفری ، رسیدگی و صدور رأی

فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه های کیفری

۷۹۱- به موجب ماده ۲۹۴ ق. آ. د. ک. دادگاه های کیفری موجود در نظام قضائی عبارتند از:

(۱) کیفری دو، کیفری یک، نظامی، اطفال و نوجوانان، ویژه روحانیت.

(۲) کیفری دو، کیفری یک، نظامی، اطفال و نوجوانان، انقلاب.

(۳) کیفری دو، کیفری یک، نظامی، انقلاب.

(۴) کیفری دو، کیفری یک، کیفری استان، انقلاب، اطفال و نوجوانان، نظامی.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۹۴ ق. آ. د. ک: " دادگاه های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری

دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه های نظامی تقسیم می شوند. " که البته دادگاه ویژه روحانیت نیز یکی از دادگاه های کیفری است که متأسفانه در این ماده به اشتباه به آن اشاره نشده است.

۷۹۲- کدام یک از دادگاه های زیر همواره با تعدد قاضی تشکیل می شود؟

(۱) انقلاب (۲) نظامی (۳) کیفری دو (۴) کیفری یک

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۲۹۵ ق. آ. د. ک: " دادگاه کیفری دو با حضور رییس یا دادرس علی البدل

در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می شود. " و به موجب ماده ۲۹۶: " دادگاه کیفری یک دارای رییس و دو مستشار

است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می یابد ، در صورت عدم حضور رییس ، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است

که سابقه قضائی بیشتری دارد. " و به موجب ماده ۲۹۷: " دادگاه انقلاب در مرکز هر استان به تشخیص رییس قوه قضائیه در

حوزه قضائی شهرستانها تشکیل می شود . این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف) ،

(ب) ، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رییس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد . دادگاه برای

رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رییس یا دادرس علی البدل یا یک مستشار تشکیل می شود . "

۷۹۳- دادگاه کیفری یک از چه اعضایی تشکیل می شود؟

(۱) با یک رییس و دو مستشار و در غیاب رییس با حضور سه مستشار تشکیل می شود.

(۲) با یک رییس و دو مستشار که با حضور دو عضو رسمیت می یابد.

(۳) با یک رییس و سه مستشار که با حضور سه عضو رسمیت می یابد.

(۴) با یک رییس و یک مستشار که با حضور هر دو عضو رسمیت می یابد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۲۹۶ ق. آ. د. ک.

۷۹۴- دادگاه کیفری یک دارای و با حضور رسمیت می یابد در صورت عدم حضور ریاست دادگاه

به عهده

(۱) رییس و ۲ مستشار- ۲ عضو- عضو مستشاری که سابقه قضائی بیشتری دارد.

(۲) رییس و ۲ مستشار- ۲ عضو- ۳ مستشار است

(۳) رییس و ۱ مستشار- ۲ عضو- ۳ مستشار است

(۴) رییس و ۱ مستشار- ۲ عضو- عضو مستشاری که سابقه قضائی بیشتری دارد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. ماده ۲۹۶ ق. آ. د. ک.

۷۹۵- عضویت مستشاران دادگاه های تجدیدنظر در دادگاه های کیفری یک و دادگاه های انقلاب وقتی با تعدد قاضی رسیدگی می کنند.....

- ۱) با انتخاب قضات دادگاه های تجدیدنظر و تأیید رییس دادگستری میسر است.
 - ۲) با انتخاب قضات دادگاه های کیفری ۱ و تأیید رییس کل دادگستری استان میسر است.
 - ۳) با انتخاب رییس کل دادگستری استان بلامانع است.
 - ۴) با انتخاب رییس کل دادگستری استان و تصویب رییس قوه قضائیه بلامانع است.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** تبصره ۲ ماده ۲۹۶: "دادرسی علی البدل حسب مورد می تواند به جای رییس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رییس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می کند بلامانع است."

۷۹۶- دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرم محاربه چگونه تشکیل می شود؟

- ۱) با حضور رییس و دادرسی علی البدل یا مستشار
 - ۲) با حضور رییس یا دادرسی علی البدل یا مستشار
 - ۳) با حضور رییس و دو مستشار
 - ۴) با حضور رییس و یک مستشار
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک.

۷۹۷- در کدام یک از مراجع زیر سیستم وحدت قاضی برقرار نیست؟

- ۱) دادگاه کیفری ۲
 - ۲) دادگاه نظامی ۲
 - ۳) دادگاه بخش
 - ۴) دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات سلب حیات یا حبس ابد
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.** ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک.

۷۹۸- در دادگاه انقلاب در مواردی که با وحدت قاضی رسیدگی می کند طرفین دعوی می توانند.....

- ۱) یک نفر وکیل داشته باشند.
 - ۲) ۲ نفر وکیل به همراه داشته باشند.
 - ۳) حداکثر ۳ نفر وکیل داشته باشند.
 - ۴) محدودیتی در تعداد وکیل ندارند.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.** با توجه به تبصره ماده ۳۴۶ و ۳۸۵ ق.آ.د.ک.

۷۹۹- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) دادگاه اطفال از یک رییس یا دادرسی علی البدل تشکیل می شود.
 - ۲) دادگاه اطفال از یک رییس و یک مشاور تشکیل می شود.
 - ۳) دادگاه اطفال از یک رییس و یک مستشار و دو مشاور تشکیل می شود.
 - ۴) دادگاه اطفال از یک رییس یا دادرسی علی البدل و یک مشاور تشکیل می شود.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.** به موجب ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک. لازم به ذکر است که نظر مشاور، مشورتی است

۸۰۰- دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور

- ۱) یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود.
 - ۲) یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود.
 - ۳) دو قاضی و یک مشاور تشکیل می شود.
 - ۴) دو قاضی و دو مشاور تشکیل می شود.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.** ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک.

بخش چهارم - اعتراض به آراء

فصل اول - کلیات

۱۱۳۷- در کدام دادگاه همواره روش تعدد قاضی وجود دارد ؟

- (۱) دادگاه تجدید نظر (۲) دادگاه انقلاب (۳) دادگاه بخش (۴) دادگاه ویژه روحانیت
پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک

۱۱۳۸- در قانون آئین دادرسی کیفری

- (۱) فرجام خواهی همچون تجدیدنظر خواهی یکی از طرق عادی اعتراض به آراء است .
(۲) فرجام خواهی بر خلاف تجدیدنظر خواهی یکی از طرق فوق العاده اعتراض به آراء است .
(۳) فرجام خواهی همچون تجدیدنظر خواهی یکی از طرق فوق العاده اعتراض به آراء است .
(۴) فرجام خواهی بر خلاف تجدیدنظر خواهی یکی از طرق عادی اعتراض به آراء است .
پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . طرق اعتراض عادی به آراء کیفری عبارتند از : واخواهی ، تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی و طرق فوق العاده اعتراض به آراء کیفری اعاده دادرسی عام و خاص می باشد .

۱۱۳۹- کدام یک از احکام زیر لازم الاجرا نیست ؟

- (۱) حکم قطعی دادگاه بدوی .
(۲) حکم غیابی دادگاه بدوی که مهلت واخواهی آن تمام شده باشد .
(۳) حکم دادگاه تجدید نظر که پس از نقض رأی بدوی صادر می کند .
(۴) حکم دادگاه بدوی که مورد تأیید مرجع تجدید نظر قرار گرفته باشد .
پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . زیرا ممکن است قابل تجدید نظر باشد .

۱۱۴۰- اگر شخص (الف) به اتهام قتل عمدی (ب) محکوم شود و ۱۵ روز بعد مدارکی دال بر زنده بودن (ب)

به دست بیاید ، طریقه اعتراض و مرجع آن کدام است ؟

- (۱) تجدید نظر خواهی - دیوان عالی کشور
(۲) اعاده دادرسی - دیوان عالی کشور
(۳) تجدیدنظر خواهی - دادگاه تجدید نظر استان
(۴) اعاده دادرسی - اعمال ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . زیرا رأی هنوز قطعی نشده است و اعاده دادرسی مخصوص احکام قطعی است .

۱۱۴۱- شخصی به اتهام ایراد صدمه بدنی غیر عمدی تحت تعقیب واقع شده و در دادگاه کیفری دو کمتر از یک

دهم دیه کامل محکوم شده است . در این صورت مرجع تجدید نظر :

- (۱) دادگاه کیفری یک استان است .
(۲) دادگاه تجدید نظر استان است .
(۳) اصولاً قابل تجدید نظر نیست .
(۴) دیوان عالی کشور است .

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک: "آراء دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضائی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش ، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد" .

۱۱۴۲- شخصی در دادگاه کیفری دو به ۶ ماه حبس محکوم و قاضی آن را تبدیل به جزای نقدی به مبلغ ۹ میلیون ریال کرده و محکوم علیه به آن اعتراض کرده است. در این صورت به اعتراض او :

(۱) اصولاً قابل تجدید نظر نیست.

(۲) در دادگاه تجدید نظر استان رسیدگی می شود.

(۳) در شعبه هم عرض دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود.

(۴) در شعبه هم عرض دادگاه کیفری دو رسیدگی می شود.

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . تبصره ۱ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک: "در مورد مجازات های جایگزین حبس ، معیار قابلیت تجدیدنظر ، همان مجازات قانونی اولیه است ."

۱۱۴۳- آراء قابل تجدیدنظر اعم است از

(۱) محکومیت ، برائت ، قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب ، قرار رد درخواست و خواهی و تجدید نظر خواهی

(۲) قرار اناطه ، قرار تعویق صدور حکم ، محکومیت ، برائت ، قرار منع و موقوفی تعقیب

(۳) قرار رد درخواست و خواهی یا تجدید نظر خواهی

(۴) همه موارد

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک آراء قابل تجدیدنظر ، اعم از محکومیت ، برائت ، یا قرار های منع و موقوفی تعقیب ، اناطه و تعویق صدور حکم است . قرار رد درخواست و خواهی یا تجدیدنظر خواهی ، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی ، قابل تجدیدنظر خواهی باشد .

۱۱۴۴- معیار تجدیدنظر در مورد مجازات های جایگزین حبس :

(۱) همان مجازات جایگزین است.

(۲) همان مجازات مقرر در حکم است.

(۳) همان مجازات قانونی اولیه است .

(۴) همان مجازات حبس صادره در حکم است.

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . تبصره ۱ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک: " در مورد مجازات های جایگزین حبس ، معیار قابلیت تجدیدنظر ، همان مجازات قانونی اولیه است ."

۱۱۴۵- احکام دادگاه های کیفری به شرح مندرج در قانون :

(۱) قابل تجدیدنظر یا فرجام است مگر در مواردی که طبق قانونی قطعی باشد .

(۲) فقط احکام حدود و قصاص قابل تجدید نظرند.

(۳) قطعی است مگر در مواردی که در قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیش بینی شده باشد .

(۴) فقط احکامی که جنبه حق الناس دارد قابل تجدیدنظرند .

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک: " آراء دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود ، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضائی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است : الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد . ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش ، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد ."

۱۱۴۶- کدام یک از آراء زیر قطعی است ؟

(۱) جرائم تعزیری درجه هفت

۲) جزای نقدی درجه ۶ تا ۸

۳) جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش به میزان کمتر از خمس دیه کامل

۴) جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش به میزان کمتر از یک دهم دیه کامل

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک.

۱۱۴۷- کدام گزینه درست است؟

۱) آراء دادگاه های کیفری قابل تجدیدنظر است مگر در مواردی که قطعی باشد که در این مورد نیز اصل بر صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان است.

۲) آراء دادگاه های کیفری قابل تجدیدنظر است مگر در مواردی که قطعی باشد که در این مورد نیز اصل بر صلاحیت دیوان عالی است.

۳) آراء دادگاه های کیفری قطعی است مگر در مواردی قابل تجدیدنظر باشد که در این مورد نیز اصل بر صلاحیت دیوان عالی است.

۴) آراء دادگاه های کیفری قطعی است مگر در مواردی قابل تجدیدنظر باشد که در این مورد نیز اصل بر صلاحیت دادگاه تجدیدنظر است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۷: " آراء دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب

می شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضائی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام

است: الف - جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها

کمتر از یک دهم دیه کامل باشد. " و لذا اصل بر غیر قطعی بودن آراء است و به موجب ماده ۴۲۶: " دادگاه تجدید نظر

استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آراء غیر قطعی کیفری است جز در مواردی که در

صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان، تشکیل می شود. این دادگاه دارای رییس و

دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند. "

۱۱۴۸- در کدام یک از محکومیت های زیر، دیوان عالی کشور، مرجع اعتراض می باشد؟

۱) حبس تعزیری درجه ۴

۲) مصادره کل اموال

۳) شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه

۴) پرداخت ثلث دیه کامل

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به موجب مواد ۴۲۷ و ۴۲۸ ق.آ.د.ک.

۱۱۴۹- الف به اتهام فساد فی الارض در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده است و ب به اتهام سرقت تعزیری به

حبس تعزیری درجه ۴ محکوم شده مرجع تجدیدنظرخواهی این دو فرد به ترتیب نسبت به این احکام کدام

است؟

۱) دیوان عالی کشور - دادگاه تجدید نظر استان

۲) دادگاه تجدید نظر استان - دادگاه تجدید نظر استان

۳) دیوان عالی کشور - دیوان عالی کشور

۴) دادگاه تجدید نظر استان - دیوان عالی کشور

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب مواد ۴۲۷ و ۴۲۸ ق.آ.د.ک.

۱۱۵۰- در کدام یک از محکومیت های زیر مرجع تجدیدنظر دیوان عالی کشور نیست؟

۱) محکومیت به شلاق حدی

۲) محکومیت به پرداخت دیه کامل

۳) محکومیت به قطع عضو

۴) محکومیت به حبس بیش از ۱۰ سال

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک

۱۱۵۱- دادگاه انقلاب در خصوص جرم قاچاق اسلحه و مهمات (جرم تعزیری درجه ۳) رأی صادر کرده است .

مرجع تجدید نظر نسبت به آن :

۱) دیوان عالی کشور است.

۲) دادگاه تجدید نظر استان است.

۳) نزد دادستان کل کشور یا رییس دیوان عالی کشور است.

۴) رأی قابل اعتراض نیست

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک: " آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه ۳ و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است."

۱۱۵۲- کدام یک از احکام دادگاه انقلاب قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است؟

۱) جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۳ و بالاتر است.

۲) جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۵ و بالاتر است.

۳) جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط حبس تعزیری درجه ۳ و بالاتر است.

۴) کلیه جرائم که مجازات قانونی آن ها تعزیری است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه ۳ و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

۱۱۵۳- مرجع تجدیدنظر کدام دسته از آراء زیر ممکن است دادگاه تجدیدنظر استان باشد؟

۱) جرائم سیاسی و مطبوعاتی

۲) جرائم مستوجب دیه کامل

۳) جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو است

۴) جرائمی که مجازات قانونی آنها حبس درجه ۲ است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک: "آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه ۳ و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است. بنابراین اگر جرم غیر عمدی مستلزم پرداخت دیه (حتی دیه کامل) باشد مرجع تجدیدنظر از حکم صادره دادگاه تجدیدنظر استان است."

بخش پنجم - اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول - کلیات

۱۲۹۵- در حوزه قضائی بخش اجرای احکام کیفری با کیست ؟

(۱) دادستان

(۲) دادرس علی البدل

(۳) رییس حوزه قضائی یا دادرس علی البدل

(۴) رییس دادگاه و در غیاب وی دادرس علی البدل

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب تبصره ۳ ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک : " در حوزه قضائی بخش ، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل است . "

۱۲۹۶- رییس اجرای احکام کیفری کیست ؟

(۱) دادستان

(۲) معاون دادستان

(۳) رییس حوزه قضائی

(۴) رییس کل دادگستری استان

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک : " اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و ((معاونت اجرای احکام کیفری)) تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضائیه تشخیص می دهد ، در دادرسی عمومی عهده دار این وظیفه است . "

۱۲۹۷- در حوزه قضائی بخش ، اجرای احکام کیفری به عهده و در غیاب وی با است .

(۱) دادستان - دادرس علی البدل

(۲) دادستان - رییس دادگاه

(۳) رییس دادگاه - دادرس علی البدل

(۴) دادستان - معاون دادستان

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب تبصره ۳ ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک : " در حوزه قضائی بخش ، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل است . "

۱۲۹۸- وظایف قاضی اجرای احکام کیفری در کدام مورد وجود دارد ؟

(۱) نظارت بر زندان ها و امور راجع به زندانیان

(۲) اعطای مرخصی به محکومان

(۳) اتخاذ تصمیم در مورد محکومان سالمند

(۴) همه موارد

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک

۱۲۹۹- کدام یک از احکام زیر لازم الاجرا نیست ؟

(۱) رأی قطعی دادگاه بدوی .

(۲) رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

(۳) رأیی که به طور غیابی از دادگاه بدوی صادر شود و نسبت به آن واخواهی نشده باشد .

۴) رأیی که مرجع تجدیدنظر پس از نقض رأی نخستین صادر می کند .
پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۰ ق.آ.د.ک : " آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می شود : الف - رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می کند . ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد . پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد . ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد. "

۱۳۰۰- کدام یک از آراء زیر لازم الاجرا نیست ؟

۱) رأیی که مرجع تجدیدنظر پس از نقض رأی دادگاه بدوی صادر می کند .
 ۲) رأی قطعی دادگاه بدوی.
 ۳) رأیی که دادگاه هم عرض پس از ارجاع اعاده دادرسی صادر می کند .
 ۴) رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن تجدیدنظر شده است .
پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۰ ق.آ.د.ک : " آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می شود : الف - رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می کند . ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد . پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد . ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد. "

۱۳۰۱- اعتراض نسبت به یک بخش از حکم :

۱) مانع از اجرای بخشهای لازم الاجرای آن نیست.
 ۲) مانع از اجرای بخشهای دیگر آن نیست.
 ۳) مانع از اجرای کل حکم است .
 ۴) چنانچه حکم تجزیه پذیر باشد مانع اجرای کل حکم است .
پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۳ ق.آ.د.ک : " اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی ، مانع از اجرای سایر قسمتهای لازم الاجرای آن نیست . "

۱۳۰۲- عملیات اجرای رأی از چه زمانی شروع و به چه طریقی متوقف می شود ؟

۱) عملیات اجرای رأی با دستور قاضی صادرکننده حکم قطعی شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر به دستور وی.
 ۲) عملیات اجرای رأی قطعی لازم الاجرا خود به خود شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر در موارد قانونی.
 ۳) عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر به دستور وی.
 ۴) عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر در مواردی که قانون مقرر نماید.

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۴ ق.آ.د.ک : " عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود ، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید . "

۱۳۰۳- رفع ابهام و اجمال از رأی با است .

۱) دادگاه صادر کننده حکم بدوی
 ۲) دادگاه صادر کننده حکم قطعی

..... تست آئین دادرسی کیفری

۳) قاضی اجرای احکام کیفری

۴) دادستانی که حکم در حوزه او اجرا می شود

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۷ ق.آ.د.ک : " رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است ، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی ، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجرا می شود . "

۱۳۰۴- رفع ابهام و اجمال از رأی با است ، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی با است .

۱) دادگاه صادر کننده حکم قطعی - قاضی اجرای احکام کیفری

۲) قاضی اجرای احکام- دادگاه صادر کننده حکم قطعی

۳) دادگاه صادر کننده حکم بدوی که حکم در حوزه او اجرا می شود - دادگاه صادر کننده حکم قطعی

۴) قاضی اجرای احکامی که حکم توسط او صادر می شود - دادگاه صادر کننده حکم بدوی که حکم در حوزه او اجرا می شود

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۷ ق.آ.د.ک : " رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است ، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی ، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجرا می شود . "

۱۳۰۵- رفع اشکالات مربوط به اجرای احکام کیفری با است .

۱) دادگاه صادر کننده حکم بدوی

۲) دادگاه صادر کننده حکم قطعی

۳) قاضی اجرای احکام کیفری

۴) هر یک از موارد قبل حسب مورد

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۷ ق.آ.د.ک : " رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است ، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی ، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجرا می شود . "

۱۳۰۶- هرگاه در دادنامه شیوه اجرای رأی مشخص نشده باشد ؛ تشخیص چگونگی اجرای رأی با کیست ؟

۱) دادستان

۲) دادگاه صادر کننده رأی قطعی

۳) قاضی اجرای احکام کیفری

۴) دادگاه صادر کننده رأی بدوی

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۸ ق.آ.د.ک : " هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین گردد ، به همان ترتیب اجرا می شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجرا ، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی ، رأی را اجرا می کند . "

۱۳۰۷- اجرای علنی مجازات

۱) در تمامی مواردی که دادستان تشخیص دهد جایز است

۲) در موارد مصرحه قانونی به تشخیص دادستان جایز است

۳) در موارد مصرحه قانونی به تشخیص دادگاه یا تقاضای دادستان جایز است

۴) در موارد مصرحه قانونی یا در مواردی که دادگاه رأساً یا به تقاضای دادستان ، اجرای علنی مجازات را ضروری بداند ، منوط به تصریح در دادنامه جایز است .

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۴۹۹ ق.آ.د.ک : " اجرای علنی مجازات ممنوع است ، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی ، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران ، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند . "

۱۳۰۸- محکوم علیه برای اجرای رأی حاضر می شود و در صورت عدم حضور :

۱) مجدداً به او اخطار می شود . در این صورت ، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند .

۲) کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرا تسلیم کند . در این صورت قاضی اجرای احکام کیفری می تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند .

۳) به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرا تسلیم کند . در صورتی که کفیل یا وثیقه گذار او را معرفی نکند وجه الكفاله اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد .

۴) در دو مرحله به او اخطار می کند و در صورت عدم معرفی ، او را جلب و حکم قطعی را به مورد اجرا در می آورد.

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . به موجب ماده ۵۰۰ ق.آ.د.ک : " محکوم علیه برای اجرای رأی احضار می شود و در صورت عدم حضور ، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند . در این صورت قاضی اجرای احکام کیفری می تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند . "

۱۳۰۹- جلب محکوم علیه برای اجرای حکم از سوی قاضی اجرای احکام کیفری :

۱) پس از موافقت دادستان جایز است.

۲) در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد ، بدون احضار و در سایر موارد پس از احضار جایز است .

۳) همواره باید مسبوق به احضار و پس از ابلاغ به کفیل یا وثیقه گذار باشد .

۴) پس از موافقت دادگاه صادر کننده حکم قطعی جایز است .

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . به موجب ماده ۵۰۰ ق.آ.د.ک و تبصره آن : " محکوم علیه برای اجرای رأی احضار می شود و در صورت عدم حضور ، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند . در این صورت قاضی اجرای احکام کیفری می تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند . تبصره - در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم علیه باشد ، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند با ذکر دلیل در پرونده ، از ابتدا دستور جلب محکوم علیه را صادر کند . "

۱۳۱۰- در چه مواردی اجرای مجازات به تعویق می افتد و تشخیص این امر با کیست ؟

۱) دوران بارداری _ پس از زایمان حداکثر ۶ ماه _ به تشخیص دادستان

۲) دوران بارداری _ پس از زایمان حداکثر ۶ ماه _ قاضی اجرای احکام

۳) پس از زایمان به مدت ۳ سال به تشخیص دادستان

۴) پس از زایمان به مدت ۳ سال _ به تشخیص دادستان

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . به موجب ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک .

بخش ششم - هزینه دادرسی

۱۳۵۲- تأخیر رسیدگی به امر جزائی به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی ؟

(۱) جایز نیست.

(۲) بستگی به نظر رییس دادگستری دارد.

(۳) جایز است .

(۴) بستگی به نظر رییس دادگاه دارد.

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک

۱۳۵۳- کدام یک می توانند با توجه به وضعیت شاکی ، او را از پرداخت هزینه شکایت معاف کنند ؟

(۱) رییس حوزه قضائی

(۲) دادگاه رسیدگی کننده

(۳) دادستان

(۴) دادستان یا دادگاه رسیدگی کننده

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک : " شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام

طرح شکایت تأدیه کند . مدعی خصوصی هم به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند ، باید هزینه دادرسی را مطابق

مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد . چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد ، به تشخیص دادستان

یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی

پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد ، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا

است ، به طور موقت معاف نماید . رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی

خصوصی به تأخیر انداخت . "

۱۳۵۴- چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت کیفری را نداشته باشد ؛ به تشخیص چه مقاماتی ممکن

است از پرداخت هزینه معاف شود ؟

(۱) دادستان

(۲) دادگاه رسیدگی کننده به موضوع

(۳) رییس حوزه قضائی

(۴) گزینه ۱ و ۲

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک

۱۳۵۵- مدعی خصوصی جهت مطالبه ضرر و زیان خود در دادگاه کیفری

(۱) می بایست هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد.

(۲) می بایست هزینه شکایت کیفری بپردازد.

(۳) نیازی به پرداخت هزینه ندارد .

(۴) می بایست دو برابر هزینه شکایت کیفری را بپردازد .

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک : " شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام

طرح شکایت تأدیه کند . مدعی خصوصی هم به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند ، باید هزینه دادرسی را مطابق

مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. "

۱۳۵۶-هرگاه شاکی درخواست احضار شهود را نماید، درخواست کننده باید هزینه های ایاب و ذهاب آنان را بپردازد. مقدار این هزینه های ایاب و ذهاب بر حسب تعرفه ای است که:

- ۱) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.
 - ۲) به تصویب هیأت وزیران رسیده است.
 - ۳) توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضائیه می رسد.
 - ۴) به پیشنهاد معاونت اداری و مالی وزیر دادگستری تهیه و به تصویب وزیر دادگستری رسیده است.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** به موجب تبصره ۳ ماده ۵۶۰ ق.آ.د.ک: " میزان هزینه ایاب ذهاب گواهان مطابق تعرفه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می رسد. "

۱۳۵۷- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) متهم ممکن است به پرداخت هزینه های دادرسی کیفری محکوم گردد.
 - ۲) متهم در اثنای رسیدگی کیفری تکلیفی در پرداخت هزینه های دادرسی ندارد.
 - ۳) اگر مقام قضائی انتشار آگهی برای رسیدگی کیفری را لازم بداند پرداخت هزینه آن با شاکی است.
 - ۴) در صورتی که شاکی ملزم به پرداخت هزینه دادرسی کیفری باشد و از پرداخت آن امتناع نماید هزینه مذکور از اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می شود.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** به موجب ماده ۵۶۰ ق.آ.د.ک: " بر عهده شاکی نیست " و گزینه ۱ طبق ماده ۵۶۴ صحیح است و گزینه های ۲ و ۴ نیز بر اساس ماده ۵۶۰ بلا اشکال هستند.

۱۳۵۸- شاکی یا مدعی خصوصی تا چه زمانی می توانند هزینه های پرداخت شده دادرسی خود را مطالبه کنند؟

- ۱) قبل از اعلام ختم دادرسی بدوی
 - ۲) در هر مرحله از دادرسی
 - ۳) قبل از صدور حکم بدوی
 - ۴) قبل از صدور حکم قطعی
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.** به موجب ماده ۵۶۳ ق.آ.د.ک: " شاکی یا مدعی خصوصی می تواند در هر مرحله از دادرسی تمام هزینه های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی، مکلف است هنگام صدور حکم، مدعی علیه را به پرداخت هزینه های مزبور ملزم کند. "

۱۳۵۹- شاکی یا مدعی خصوصی در کدام مرحله از دادرسی می توانند هزینه های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه مطالبه کند؟

- ۱) تا قبل از اعلام ختم دادرسی

..... تست آئین دادرسی کیفری

۲) پس از صدور حکم محکومیت قطعی

۳) در هر مرحله از دادرسی

۴) بعد از شروع به اجرای مجازات

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۵۶۳ ق.آ.د.ک . لازم به تذکر است که دادگاه پس از ذی حق شناختن مدعی ، مکلف است هنگام صدور حکم ، مدعی علیه را به پرداخت هزینه های مذکور ملزم کند .

۱۳۶۰- هرگاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسؤؤل پرداخت هزینه دادرسی است فوت می کند :

۱) هزینه دادرسی از وراثت مطالبه خواهد شد

۲) از پرداخت هزینه دادرسی معافیت حاصل می شود

۳) از بیت المال پرداخت می شود

۴) از ماترک وصول می شود

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۵۶۵ ق.آ.د.ک : " هرگاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسؤؤل پرداخت هزینه دادرسی است ، فوت کند ، هزینه مذکور از ماترک وی وصول می شود . "

فصل ششم - ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی

۱۳۸۸- رییس سازمان قضائی می تواند ارجاع پرونده ها را به کدام یک از افراد زیر تفویض نماید ؟

(۱) هر فردی که سابقه قضائی بیشتری دارد.

(۲) معاون خود.

(۳) رییس دادگاه نظامی یک.

(۴) رییس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران.

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۶۲۷ ق.آ.د.ک : " رییس سازمان قضائی می تواند ارجاع پرونده ها را به رییس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران تفویض کند . ارجاع پرونده ها در غیاب رییس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران بر عهده رؤسای دادگاه های تجدیدنظر نظامی به ترتیب شماره شعبه است . "

۱۳۸۹- در دادرسی نظامی هرگاه دادگاه پس از صدور کیفر خواست معلوم شود متهم ، مرتکب جرم دیگری از

همان نوع شده است ؟

(۱) باید پرونده را برای انجام تحقیقات به دادسرا بفرستد .

(۲) باید به جرم جدید نیز رسیدگی نماید .

(۳) با اطلاع به دادستان رسیدگی می کند .

(۴) دادگاه می تواند به جرم مزبور نیز رسیدگی کند یا پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال نماید .

پاسخ : گزینه ۴ صحیح است . به موجب ماده ۶۲۹ ق.آ.د.ک : " هرگاه پس از صدور کیفرخواست معلوم شود که متهم مرتکب جرم دیگری از همان نوع شده است ، دادگاه می تواند به جرم مزبور نیز رسیدگی کند یا پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال نماید . "

۱۳۹۰- رسیدگی غیابی در جرم فرار از خدمت به چه صورت است ؟

(۱) تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است ، رسیدگی غیابی صورت نمی گیرد .

(۲) در هر صورت امکان پذیر است .

(۳) در هر صورت امکان پذیر نیست .

(۴) اگر استمرار آن قطع شد ، نمی توان رسیدگی غیابی کرد .

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۶۳۰ ق.آ.د.ک : " در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است ، رسیدگی غیابی صورت نمی گیرد . "

۱۳۹۱- دادگاه نظامی زمان جنگ پس از اعلام ختم دادرسی ظرف چه مهلت انشاء رأی کند ؟

(۲) حداکثر ظرف ۵ روز

(۱) حداکثر ظرف ۳ روز

(۴) حداکثر ظرف ۱۰ روز

(۳) حداکثر ظرف یک هفته

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۶۳۲ ق.آ.د.ک .

بخش نهم - دادرسی الکترونیکی

۱۴۰۵ - کدام یک از افراد زیر نمی تواند عضو شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی باشد ؟

۱) رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۲) وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

۳) یکی از قضات دیوان عالی کشور غیر از رییس

۴) رییس سازمان پزشکی قانونی کشور

پاسخ : گزینه ۳ صحیح است . به موجب ماده ۶۴۹ ق.آ.د.ک : " به منظور سیاستگذاری و تدوین راهبردهای ملی ، برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت و تدوین آئین نامه های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها ، ((شورای راهبری دادرسی الکترونیکی)) که در این بخش به اختصار شورا نامیده می شود به ریاست رییس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می شود : الف - رییس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه (دبیر شورا) ب- معاون حقوقی قوه قضائیه پ - رییس دیوان عالی کشور ت- دادستان کل کشور ث - رییس دیوان عدالت اداری ج- رییس سازمان قضائی نیروهای مسلح چ - رییس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ح - رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خ- رییس سازمان پزشکی قانونی کشور ذ- معاون آموزش و تحقیقات قوه قضائیه ر - معاون راهبردی قوه قضائیه ز- مسؤول حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه ژ- وزیر دادگستری س- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ش - فرمانده نیروی انتظامی کشور ص - یک نفر نماینده عضو کمیسیون قضائی و حقوقی به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر ض- سه نفر به انتخاب رییس قوه قضائیه . "

۱۴۰۶- استعلامات قضائی از طریق کدام یک از موارد زیر به عمل می آید ؟

۱) مرکز ملی داده های قوه قضائیه

۲) شبکه ملی عدالت

۳) درگاه ملی قوه قضائیه

۴) مرکز ارتباطات الکترونیکی

پاسخ : گزینه ۲ صحیح است . به موجب ماده ۶۵۲ ق.آ.د.ک و تبصره آن : " قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم ، ضابطان و دستگاه های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است ، ((شبکه ملی عدالت)) را با به کار گیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه اندازی کند . تبصره - مراجع قضائی می توانند استعلامات قضائی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند . در این صورت دستگاه های دولتی ، نهاد های عمومی غیر دولتی و شخصیت های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند . مستتکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ - است . "

۱۴۰۷- راه اندازی تارنما (وب سایت) اختصاصی برای دادگستری استانهای کشور و دستگاه های استان های

کشور و دستگاه های تابعه قوه قضائیه بر عهده کدام یک از ارگان های زیر است ؟

۱) قوه قضائیه

۲) دادستانی کل کشور

۳) دادگستری استان تهران

۴) وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

پاسخ : گزینه ۱ صحیح است . به موجب ماده ۶۵۳ و ۶۵۴ ق.آ.د.ک .

آرای وحدت رویه

کیفری

۱۳۹۴ - ۱۳۷۸

رانندگی با وسایل نقلیه موتوری بدون داشتن پروانه رانندگی

رای وحدت رویه ۶۳۸ - ۰۹ / ۰۶ / ۱۳۷۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((به صراحت ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ قانون که مقرر داشته هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیرعمد شده در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد.... به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد موضوع از مصادیق بارز تعدد معنوی جرم می باشد زیرا چنانچه نظر مقنن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هریک از جرائم مزبور می باشد. با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی [ت م ۱۳۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲] دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدده جرم است که در خود قانون، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است بنا به مراتب فوق الاشارة هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اکثریت آراء رأی شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی را که در مورد اتهام قتل غیر عمد بدون داشتن گواهینامه رانندگی به استناد ماده ۷۱۸ قانون مارالذکر یک فقره مجازات برای متهم تعیین کرده منطبق با مقررات و موازین قانونی و صحیح تشخیص می دهد این رأی به موجب ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است .))

عدم اعمال طرق فوق العاده در صورت امکان اعمال طرق عادی

رای وحدت رویه ۶۳۹ - ۱۱ / ۰۸ / ۱۳۷۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب [م ۴۷۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] یکی از طرق فوق العاده رسیدگی نسبت به احکام قطعی است و تازمانی که طریق عادی رسیدگی مفتوح باشد، مجالی برای ورود به مرحله رسیدگی فوق العاده نیست و با توجه به اینکه دادنامه غیابی، حکم غیر قطعی و قابل اعتراض و بعضاً قابل تجدید نظرخواهی است و تا وقتی که مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی سپری نشده و یا به اعتراض و تجدید نظرخواهی رسیدگی نشده باشد، اعمال مقررات ماده مذکور نسبت به رأی غیابی وجاهت قانونی ندارد. بنا به مراتب حکم شعبه نهم دادگاه تجدید نظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء اعضاء هیئت عمومی دیوان عالی کشور و تأیید می شود. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است .))

تعیین دیه جداگانه برای هر استخوان در صورت شکستگی دو استخوان از یک عضو

رای وحدت رویه ۶۹۱ - ۱۳۸۵ / ۰۷ / ۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((با توجه به ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی [م ۵۶۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲] که مقرر داشته: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد...» بنابراین چنانچه دو استخوان از یک عضو نیز شکسته شود برای هر استخوان طبق ماده مذکور بایستی دیه جداگانه تعیین شود. علی هذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر منطبق است قانونی تشخیص و مورد تأیید است.

این رأی باستناد ماده ۲۷۰ از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاههای عمومی لازم الاتباع خواهد بود.))

صلاحیت هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی

رای وحدت رویه ۶۹۷ - ۱۳۸۵ / ۱۱ / ۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((قطع نظر از اینکه به موجب رأی شماره ۳/۷۶ - ه - ۱۳۷۶/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مرجع صالح به اعتراضات موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - فارغ از محل وقوع اراضی مربوطه - هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع شناخته شده و به موجب قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری رأی اکثریت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه من جمله هیأت موضوع ماده واحده فوق‌الذکر در موارد مشابه لازم‌الاتباع است، اساساً با لحاظ تبصره ۲ و اطلاق و عموم تبصره ۵ ماده واحده فوق‌الذکر از تاریخ تصویب آن ماده واحده کلیه قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مغایر با این قانون لغو و تنها مرجع رسیدگی به شکایات مربوط به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع و اصلاحیه‌های آن هیأت موضوع این قانون خواهد بود، بنا به مراتب رأی شماره ۵۱۳ - ۱۳۸۳/۸/۲۶ شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد از نظر اکثریت قاطع اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید است.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.))

صلاحیت دیوان عالی کشور به رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۶۱۲ ق.م.ا.

رای وحدت رویه ۶۹۸ - ۱۳۸۶ / ۰۱ / ۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((تعیین کیفر در حدود مقررات ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی با احراز عمدی بودن قتل به طریق مقتضی و سایر شرایط مذکور در این ماده ملازمه داشته و رسیدگی به آن نیز براساس تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، [م ۳۰۲ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] از خصائص دادگاه کیفری استان [دادگاه کیفری یک] می‌باشد و رأی صادر شده از دادگاه کیفری استان [دادگاه کیفری یک] نیز ظرف مهلتی که برای تجدیدنظرخواهی مقرر گردیده قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور است. بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم محکومیت به حبس موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور بوده و رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، [م ۳۰۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم‌الاتباع می‌باشد.))

نحوه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ ها برای سکونت صاحبان زمین

رای وحدت رویه ۷۲۴ - ۲۲ / ۰۱ / ۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((تغییر کاربری اراضی زراعی تا پانصد مترمربع، برای سکونت شخصی صاحبان زمین اگر با اجازه اعضای کمیسیون موضوع تبصره یک اصلاحی سال ۱۳۸۵ ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها باشد، طبق تبصره یک ماده دو این قانون فقط برای یک بار از پرداخت عوارض قانونی معاف خواهد بود.

مفاد این تبصره به معافیت از مجازات افرادی که بدون اخذ مجوز از کمیسیون مزبور اقدام به تغییر کاربری کرده اند دلالت نمی نماید؛ زیرا ماده ۳ قانون مرقوم، این قبیل اشخاص را کلاً، قابل تعقیب دانسته و موارد استثنایی و خارج از شمول مجازات نیز در تبصره ۴ همین ماده صراحتاً ذکر گردیده است؛ لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغ ها به منظور سکونت مطلقاً ممنوع و مرتکبین آن قابل تعقیب کیفری می باشند و رأی شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر مازندران در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای کلیه شعب دادگاه ها و دیوان عالی کشور لازم الاتباع خواهد بود.))

دادگاه صالح به رسیدگی به مجازات حمل و نقل، مخفی کردن و نگاهداشتن سلاح و مهمات به طور غیر مجاز

رای وحدت رویه ۷۲۷ - ۲۱ / ۰۹ / ۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((چون ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ که مقصود از قاچاق اسلحه را وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و نگاهداشتن آن در داخل مملکت عنوان کرده بود، طبق ماده ۲۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰.۰۶.۷ لغو گردیده و در ماده یک این قانون قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل وارد کردن آنها به کشور یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیر مجاز تعریف شده است، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور خرید و فروش، حمل و نقل، مخفی کردن و نگاهداشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به طور غیر مجاز از شمول عنوان قاچاق خارج و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه عمومی است. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] صادر شده و برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.))

تعیین صلاحیت دادگاه صالح به رسیدگی در جرائم رایانه ای

رای وحدت رویه ۷۲۹ - ۰۱ / ۱۲ / ۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرائم رایانه ای نیز مستفاد از ماده ۲۹ مورد تایید قانونگذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه های قضائی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح کننده حساب زیان دیده از بزه

..... تست آئین دادرسی کیفری

که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است. بنا به مراتب آراء شعب یازدهم و سی و دوم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده به اکثریت آرا صحیح و قانونی تشخیص داده و تأیید می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است .))

قانون حاکم در زمان وقوع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌رها

رأی وحدت رویه ۷۳۰ - ۲۸ / ۰۳ / ۱۳۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((ماده ۳ (اصلاحی ۱/۸/۱۳۸۵) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۳۱/۳/۱۳۷۴ که دادگاه را مکلف کرده ضمن صدور حکم مجازات برای مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) اصلاحی ۱/۸/۱۳۸۵ ماده (۱) قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند، حکم بر قلع و قمع بنا نیز صادر نماید با توجه به اینکه قلع و قمع بنا جزء لاینفک حکم کیفری است، نسبت به جرائم واقع شده پیش از لازم‌الاجرا شدن آن ماده حاکمیت ندارد. بنابراین رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است .))

تعیین مرجع اظهار نظر در مورد آزادی مشروط

رأی وحدت رویه ۷۳۱ - ۲۸ / ۰۸ / ۱۳۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((مقررات مربوط به پیشنهاد آزادی مشروط ناظر به اجرای احکام قطعی و لازم‌الاجراست و اظهارنظر قانونی در خصوص مورد هم علی‌الاصول با دادگاه صادر کننده حکم قطعی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر) خواهد بود همچنان که در مقررات نیمه آزادی موضوع ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این امر مورد تصریح قرار گرفته است ، لذا رأی شعبه نوزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می گردد . این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است .))

پرداخت خسارت بدنی ناشی از تصادفات رانندگی از ((صندوق تأمین خسارت های بدنی))

رأی وحدت رویه ۷۳۴ - ۲۲ / ۰۷ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه برابر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ ، فلسفه تشکیل « صندوق تأمین خسارت های بدنی » حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت های وارد شده به آنها از سوی شرکت های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آئین نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می شود که نظر قانون گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت به آنان بوده است ؛ بنابراین در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان دیده ، دادگاه عمومی جزائی [دادگاه کیفری دو] صالح به رسیدگی و اظهار نظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعای حقوقی در این موارد ضرورت ندارد . بدیهی است در صورت

پرداخت خسارت نیز اقدامات قضائی برای تعقیب و شناسایی راننده مقصر باید ادامه یابد؛ بنا به مراتب رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.))

صلاحیت دادگاه مرجع الیه با تغییر قاضی صادر کننده قرار امتناع از رسیدگی

رأی وحدت رویه ۷۳۵ - ۲۰ / ۰۸ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((در مواردی که دادرسی دادگاه به سبب وجود یکی از جهات رد، قرار امتناع از رسیدگی صادر می نماید و به علت نبودن دادرسی و یا شعبه دیگر، پرونده به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارجاع می گردد؛ تغییر دادرسی صادرکننده قرار امتناع از رسیدگی با توجه به ملاک ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۳۳ - ۱۳۵۲/۳/۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نافذ صلاحیت دادگاه مرجع الیه نخواهد بود؛ بر این اساس رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان اردبیل به اکثریت آراء صحیح و منطبق با قانون تشخیص می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک . مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.))

تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی کننده به جرائم مرتکبین قاچاق کالاها ممنوع

رأی وحدت رویه ۷۳۶ - ۰۴ / ۰۹ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی، عبارت «مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی» به قرینه جمله بعد آن با این عبارت: (سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است) معطوف به قاچاق کالا و ارز و منصرف از قاچاق کالاها ممنوع است، بنابراین رسیدگی به بزه قاچاق کالاها ممنوع همانند رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای و بزه قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی مطلقاً در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است؛ بر این اساس آراء شعب یازدهم و چهاردهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می گردد. این رأی وحدت رویه ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.))

نحوه درخواست اعاده دادرسی برای محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام

بوده

رأی وحدت رویه ۷۳۷ - ۱۱ / ۰۹ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با توجه به عبارت صدر ماده از جرائم حدود و قصاص انصراف دارد و اختیارات پیش بینی شده برای قاضی اجرای احکام در مورد درخواست اصلاح حکم و یا حق مراجعه محکوم علیه به دادگاه برای تخفیف مجازات به نحوی که در بند مذکور مقرر شده است با بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مغایرتی نداشته و آن را نسخ ننموده است، لذا محکومان به قصاص

..... تست آئین دادرسی کیفری

نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده و احکام قطعی محکومیت آنان قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ صادر شده، چنانچه مدعی شمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور در این ماده مآلاً تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به‌شمار می‌آید، می‌توانند براساس بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آئین دادرسی مذکور در فوق درخواست اعاده دادرسی نمایند. بنا به مراتب رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌التابع است.))

حاکمیت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مواد مخدر

رأی وحدت رویه ۷۳۸ - ۳۰ / ۱۰ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((نظر به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۸۹ حکم خاصی در مورد تعدد جرم وضع نکرده، بنابراین ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به امره بودن آن، در جرائم مواد مخدر نیز حاکم بوده و در تعیین مجازات برای مرتکبین اینگونه جرائم، در صورت تعدد بزه های ارتكابی لازم الرعايه است. بر این اساس آراء دادگاه های انقلاب اراک، مشهد و همدان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق. آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] برای دادگاه‌ها لازم‌التابع است.))

تعیین میزان دیه از بین بردن طحال

رأی وحدت رویه ۷۴۰ - ۱۸ / ۰۱ / ۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

((با توجه به دلالت مقررات فصل دوم از بخش دوم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱ در قواعد عمومی دیه اعضاء و نظر به حکم ماده ۳۶۵ آن که در مقام سنجش دیه اعضای فرد و زوج وضع شده است و با عنایت به فتاوی معتبر فقهی، مبنی بر تعیین ارش برای از بین بردن طحال و اینکه در فصل دیه مقدر اعضاء برای طحال دیه مقدر منظور نشده است؛ بنابراین در صورت از بین بردن این عضو، ماده ۴۴۹ همان قانون حاکم بر موضوع تشخیص می‌شود و دادگاه باید با رعایت مقررات این ماده برای آن ارش تعیین کند، لذا آراء شعب ۱۰۱ دادگاه‌های عمومی (جزایی) بوکان و دشت آزادگان که بر این اساس صادر شده است به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و موافق قانون تشخیص می‌شود.

این رأی مطابق مقررات ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [م ۴۷۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲] در موارد مشابه برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور لازم‌التابع است.))

..... تست آئین دادرسی کیفری

با موضوع در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و
بالتجیه صلاحیت دادگاه است.

رای وحدت رویه شماره ۷۴۴ - ۱۹ / ۰۸ / ۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یاد شده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد: ... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است؛... علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتجیه صلاحیت دادگاه است. این رأی مطابق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

با موضوع تأیید آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور به دلیل انطباق با ماده ۴ قانون مدنی در خصوص

آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر

رای وحدت رویه شماره ۷۴۵ - ۲۶ / ۰۸ / ۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ... مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷، آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ صادر گردیده، قطعی و لازم‌الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی نسبت به این آراء وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آراء با لحاظ حکم مقرر در ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» منصرف از آراء مورد اشاره است، بر این اساس، آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون اخیرالذکر در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.